



❁ رشته‌های: ریاضی - تجربی - انسانی - معارف ❁

- ❖ بررسی کامل قلمرو زبانی، ادبی و فکری تمامی آیات و عبارات به صورت درس به درس و سطر به سطر
- ❖ معنی ساده و روان شعر و نثر
- ❖ معنی همهٔ واژگان دشوار + واژه‌نامهٔ کتاب
- ❖ پاسخ سؤالات کارگاه متن پژوهی
- ❖ نمونه سؤالات هماهنگ کشوری به صورت درس به درس همراه با پاسخنامه تشریحی
- ❖ سؤالات هماهنگ کشوری خرداد ۱۴۰۲ همراه با پاسخنامه تشریحی

تهیه و تنظیم:	با تغییرات کلی و ویرایش جدید	❖
ولی مسعودی	شهریور ۱۴۰۲	❖
www.valimasoudi.ir	۰۹۱۱-۱۷۸-۱۷۰۷	❖

به نام خداوند جان و خرد

مقدمه

این جزوه در بردارنده همه نکات زبانی، ادبی و فکری کتاب فارسی (۱)، پایه دهم است:

۱- تمامی ابیات و عبارات کتاب به صورت درس به درس و سطر به سطر از نظر **قلمرو زبانی، ادبی و فکری** (معنا و مفهوم) بررسی و تحلیل شده است.

۲- پاسخ سؤالات کارگاه متن پژوهی و درک و دریافت به طور کامل در پایان هر درس آورده شده است.

۳- تمامی شعرخوانی‌ها، گنج حکمت‌ها و **شعرهای داخل کارگاه متن پژوهی** با توضیح کامل آورده شده است.

۴- واژگان مهم هر جمله و بیت به صورت کامل با معانی گوناگون به همراه معنی روان بیان شده است.

توضیح: علامت * در کنار بعضی واژه‌ها بیانگر این است که این لغات در **واژه‌نامه آخر** کتاب معنا شده‌اند.

این کار موجب ساده کردن امر آموزش در ایام امتحانات خواهد شد.

۵- کل متن **کتاب درسی** در جزوه آورده شده است.

۶- نمونه سؤالات امتحانات **هماهنگ کشوری** (خرداد و شهریور ۱۴۰۲) همراه با **پاسخنامه تشریحی**

به صورت **درس به درس** آورده شده است.

۷- سؤالات **امتحان نهایی** خرداد ۱۴۰۲ همراه با **راهنمای تصحیح** به طور کامل در پایان جزوه آورده شده است.

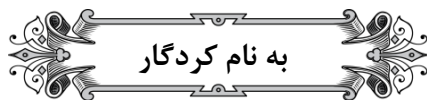
پاینده باشید.

شهریور ۱۴۰۲

ولی مسعودی

برای تهیه نسخه کامل درسنامه

با شماره ۰۹۱۱۷۸۱۷۰۷ تماس بگیرید.



۱- به نام کردگار هفت افلاک که پیدا کرد آدم از کفی خاک

قلمرو فکری: به نام آفریننده جهان هستی سخنم را آغاز می‌کنم؛ [کسی] که انسان را از مшти خاک آفرید. (آغاز با نام خدا / آفرینش آسمان‌ها / خلقت انسان)

قلمرو ادبی: هفت افلاک: مجاز از جهان هستی / کف: مجاز از مشت (مقدار کم) / اشاره به خلقت انسان: تلمیح / تکرار «ک»: واج‌آرایی
قلمرو زبانی: * افلاک: جمع فلک، آسمان‌ها / هفت افلاک: هفت آسمان؛ به عقیده گذشتگان، آسمان از هفت طبقه تشکیل شده است و نام هر یک از این طبقه‌ها به صورت زیر بوده است: ۱- ماه ۲- عطارد ۳- زهره ۴- خورشید ۵- مریخ ۶- مشتری ۷- زحل / پیدا کرد: آفرید / حذف فعل «آغاز می‌کنم» در پایان مصراع اول به قرینه معنایی

۲- الهی، فضل خود را یار ما کن ز رحمت، یک نظر در کار ما کن

قلمرو فکری: خدایا، بخشش خود را همراه ما کن و از روی لطف و رحمت به حال ما توجهی کن. (طلب لطف و عنایت الهی)
قلمرو ادبی: نظر کردن: کنایه از توجه و عنایت / یار، کار: جناس ناهمسان (ناقص)
قلمرو زبانی: * فضل: لطف، توجه، رحمت، احسان که از خداوند می‌رسد.

۳- تویی رزاق هر پیدا و پنهان تویی خلاق هر دانا و نادان

قلمرو فکری: تو روزی‌دهنده همه پدیده‌های آشکار و پنهان و آفریننده همه موجودات هستی. (رزاق و آفریننده بودن خدا)
قلمرو ادبی: پیدا و پنهان: تضاد و مجاز از تمام موجودات / دانا و نادان: تضاد و مجاز از همه موجودات (انسان‌ها و موجودات بی‌بهره از درک و شعور)

قلمرو زبانی: * رزاق: روزی‌دهنده / خلاق: آفریننده / «ی» در «تویی» = هستی (فعل اسنادی) / رزاق، خلاق: مسند

۴- زهی گویا ز تو، کام و زبانم تویی هم آشکارا، هم نهانم

قلمرو فکری: چه خوش است که دهان و زبانم از لطف تو گویا شده و تمام ظاهر و باطن وجودم تو هستی. (سخن گفتن و تمام وجود انسان از خدا)

قلمرو ادبی: گویا، کام، زبان: مراعات نظیر / آشکارا، نهان: تضاد

قلمرو زبانی: * زهی: هنگام اظهار خشنودی یا شگفتی از چیزی یا تشویق و تحسین کسی گفته می‌شود. خوشا، آفرین، شگفتا / گویا: گوینده، سخنگو / * کام: دهان / «م» در زبانم و نهانم: مضاف‌الیه (زبان من، نهان من) / آشکارا، نهان: مسند

۵- چو در وقت بهار آبی پدیدار حقیقت، پرده برداری ز رخسار

قلمرو فکری: وقتی که در فصل بهار ظاهر می‌شوی، حقیقتاً چهره خود را آشکار می‌کنی. (بهار، اوج آشکار شدن زیبایی خدا)

قلمرو ادبی: پرده برداشتن از چیزی: کنایه از آشکار کردن / تکرار «ر»: واج‌آرایی

قلمرو زبانی: پدیدار آبی: در معنای پدیدار می‌شوی (در متون کهن، «آمدن» به معنی «شدن» به عنوان فعل اسنادی به کار می‌رفت) / حقیقت: حقیقتاً، به درستی / رخسار: چهره

۶- فروغ رویت اندازی سوی خاک عجایب نقش‌ها سازی سوی خاک

قلمرو فکری: روشنایی چهره‌ات را بر روی زمین می‌اندازی و تصویرهای شگفت‌انگیزی (گل‌ها و گیاهان) در طبیعت به وجود می‌آوری. (پرتو جمال الهی باعث زیبایی آفرینش)

قلمرو ادبی: خاک: مجاز از زمین / نقش‌ها: استعاره از گل‌ها و گیاهان

قلمرو زبانی: * فروغ: روشنایی، پرتو / عجایب: جمع عجیب، چیزهای شگفت‌آور / عجایب نقش‌ها: نقش‌های عجایب (امروز می‌گوییم: نقش‌های عجیب) / نقش: تصویر، شکل / فروغ: مفعول / اندازی (می‌اندازی)، سازی (می‌سازی): مضارع اخباری

۷- گل از شوق تو خندان در بهار است از آنش رنگ‌های بی‌شمار است

قلمرو فکری: گل از اشتیاق تو در بهار شکوفا می‌شود به همین دلیل رنگ‌های فراوان دارد. (شوق الهی سبب زیبایی پدیده‌ها)

قلمرو ادبی: خندان شدن گل: تشخیص و استعاره و کنایه از شکفته شدن / علت اینکه گل به رنگ‌های بی‌شمار درمی‌آید، شوق الهی است؛ این، یک علت شاعرانه و خیالی است: آرایه حُسنِ تعلیل / گل، بهار، رنگ: مراعات نظیر

قلمرو زبانی: مرجع ضمیر «ش»: گل / خندان: مسند / رنگ‌های بی‌شمار: ترکیب وصفی

۸- هر آن وصفی که گویم، بیش از آنی یقین دانم که بی‌شک، جانِ جانی

قلمرو فکری: هرگونه که تو را توصیف کنم، تو برتر از آن هستی و مطمئنم که بی‌تردید تو جوهره و اصل هر جان هستی.

(توصیف‌ناپذیر بودن خدا)

قلمرو ادبی: آن، جان: جناس ناهمسان (ناقص)

قلمرو زبانی: «ی» در آنی و جانی = هستی (فعل اسنادی) / بی‌شک: قید

۹- نمی‌دانم، نمی‌دانم، الهی تو دانی و تو دانی، آنچه خواهی

قلمرو فکری: خدایا، من چیزی نمی‌دانم و تنها تو می‌دانی آنچه را که می‌خواهی. (نادانی انسان نسبت به خواست و مشیت خدا)

قلمرو ادبی: نمی‌دانم و تو دانی: تکرار / نمی‌دانم، دانی: تضاد

قلمرو زبانی: هر پنج فعل نیاز به مفعول دارند. / آنچه: مفعول / بیت: شش جمله

الهی‌نامه، عطار نیشابوری

فصل یکم: ادبیات تعلیمی

در این فصل، متن‌هایی را می‌خوانیم که در آنها شاعر یا نویسنده، خواسته‌است موضوع و مفهومی رفتاری، اخلاقی یا مسئله‌ای اجتماعی و پندآموز را به‌شیوه‌ی اندرز بازگو کند؛ برای این کار از داستان یا حکایت در قالب شعر و نثر بهره گرفته‌است؛ به این‌گونه آثار ادبی، «ادبیات تعلیمی» می‌گویند.

اثر تعلیمی، اثری است که با هدف آموزش و تعلیم، موضوع‌هایی از حکمت، اخلاق، مذهب یا دانشی از معارف بشری را بیان می‌کند. آثار تعلیمی می‌توانند تخیلی - ادبی باشند تا مسئله‌ای را به‌صورت روایی یا نمایشی با جذابیت بیشتر ارائه دهند. از این‌گونه آثار ادبی، به‌ویژه در کتاب‌های درسی و ادبیات کودک و نوجوان بهره می‌گیرند. بسیاری از شاهکارهای ادبی (قابوس‌نامه، کلیله و دمنه، گلستان، بوستان، مثنوی معنوی و ...) و برخی آثار طنز، جنبه‌ی تعلیمی دارند.

سؤالات هماهنگ کشوری

- یک اثر در زمینه «ادبیات تعلیمی» ذکر کنید. (خرداد ۱۴۰۲ - نوبت عصر)

***** پاسخنامه *****

- گلستان - بوستان - کلیله و دمنه - مثنوی - قابوسنامه



* درس یکم

۱- گشت یکی چشمه ز سنگی جدا غلغله‌زن، چهره‌نما، تیزپا

فکری: چشمه‌ای غلغل‌کنان، مغرورانه و شتابان از سنگی جدا شد. (چابکی و خودنمایی چشمه)

ادبی: چهره‌نما: ۱- کنایه از خودنما، کسی که خود را نمایش می‌دهد. ۲- زلال، شفاف، آنچه از شفافیت چهره در آن نمایان است. / چهره‌نمایی و تیزپایی چشمه: تشخیص و استعاره

زبانی: * غلغله‌زن: شور و غوغاکنان / * تیزپا: تندرو، تیزرو / بیت: یک جمله / یکی چشمه: نهاد / جدا: مسند / مصراع دوم: قید

۲- گه به دهان، برزده کف، چون صدف گاه چو تیری که رود بر هدف

فکری: چشمه، گاهی مانند صدف [بر اثر جوش و خروش] دهانش کف‌آلود می‌شد و گاهی مانند تیری، سریع به‌سوی هدف می‌رفت. (خروشنده‌گی و سرعت چشمه)

ادبی: کف به دهان برزده: کنایه از خشمگین بودن / چو تیر بر هدف رفتن: کنایه از سرعت بسیار / مانند کردن چشمه به صدف و تیر: تشبیه / نسبت دادن دهان به چشمه و صدف: تشخیص و استعاره / صدف، هدف: جناس ناهمسان (ناقص)

زبانی: چو: حرف اضافه، به معنی مانند / صدف، تیر: متمم

۳- گفت: درین معرکه، یکتا منم تاج سر گلبن و صحرا، منم

فکری: چشمه گفت: در این میدان، یگانه و بی‌مانند هستم. من سرور باغ و دشت (طبیعت) هستم. (خودستایی و غرور)

ادبی: تاج سر بودن: کنایه از سروری داشتن، سبب افتخار بودن / مانند کردن چشمه به تاج: تشبیه / سر گلبن و صحرا: تشخیص و استعاره

زبانی: درین: در این / * معرکه: میدان جنگ، جای نبرد / * گلبن: بوته یا درخت گل، به‌ویژه بوته گل سرخ / یکتا، تاج: مسند

۴- چون بدوم، سبزه در آغوش من بوسه زند بر سر و بر دوش من

فکری: وقتی جاری می‌شوم، سبزه در آغوش من قرار می‌گیرد و بر سر و دوش من بوسه می‌زند. (غرور و خودستایی)
ادبی: بوسه بر سر و دوش زدن: کنایه از ابراز محبت و علاقه / «دویدن چشمه»، «آغوش و سر و دوش داشتن چشمه» و «بوسه زدن سبزه»: تشخیص و استعاره / در، بر، سر: جناس ناهمسان (ناقص) / آغوش، سر، دوش: مراعات نظیر

۵- چون بگشایم ز سر مو، شکن ماه ببیند رخ خود را به من

فکری: وقتی موج‌ها را کنار می‌زنم (صاف و آرام می‌شوم)، ماه چهره خود را در من می‌بیند. (انعکاس چهره ماه در آب آرام / خودستایی)
ادبی: شکن از مو گشودن: کنایه از صاف و زلال شدن / مو: استعاره از موج آب / داشتن «رخ» و عمل «دیدن» به ماه نسبت داده شده و «گشودن مو» به چشمه: تشخیص و استعاره / سر، مو، رخ: مراعات نظیر
زبانی: * شکن: پیچ‌وخم زلف

۶- قطره باران که درافتد به خاک زو بدمد بس گهر تابناک

فکری: قطره باران که بر زمین می‌افتد، گل‌های زیبای فراوانی از آن می‌روید. (ارزشمندی و عظمت قطره)
ادبی: خاک: مجاز از زمین / گهر: استعاره (مجاز) از سبزه، گل و گیاه
زبانی: زو: از او / گهر: مخفف گوهر، مروارید / دمیدن: رویدن گیاه، سبز شدن / بس: بسیار (قید) / مرجع ضمیر او: قطره باران / گهر تابناک: ترکیب وصفی

۷- در بر من، ره چو به پایان برد از خجلی سر به گریبان برد

فکری: زمانی که در انتهای راهش به من می‌رسد، از شرمندگی سر را پایین می‌اندازد. (فخرفروشی / تحقیر دیگران)
ادبی: سر به گریبان بردن: [در اینجا] کنایه از شرمندگی شدن، گوشه‌گیری به خاطر شرم / در، بر، سر: جناس ناهمسان (ناقص)
زبانی: بر: آغوش / خجلی: شرمندگی، خجالت / گریبان: یقه

۸- ابر ز من، حامل سرمایه شد باغ ز من صاحب پیرایه شد

فکری: ابر، باران را از من به دست آورده و باغ به واسطه من دارای زیور و زینت (گل و گیاه) شده است. (غرور و خودستایی)
ادبی: سرمایه: استعاره از باران / پیرایه: استعاره از گل و گیاه / سرمایه‌دار شدن ابر و صاحب پیرایه شدن باغ: تشخیص و استعاره
زبانی: * پیرایه: زیور و زینت / حامل سرمایه و صاحب پیرایه: ترکیب‌های اضافی در نقش مسند

۹- گل به همه رنگ و برازندگی می‌کند از پرتو من زندگی

فکری: گل با تمام زیبایی و شایستگی، زندگی خود را از روشنایی وجود من گرفته است. (فخرفروشی و خودستایی)
ادبی: نسبت دادن «زندگی» به گل: تشخیص و استعاره / تکرار «گ»: واج‌آرایی
زبانی: * برازندگی: شایستگی، لیاقت / برازندگی، زندگی (درست): برازنده‌گی، زنده‌گی (نادرست)

۱۰- در بن این پرده نیلوفری کیست کند با چو منی همسری؟

فکری: در زیر این آسمان لاجوردی، کسی نمی‌تواند با من برابری کند. (خودبزرگ‌بینی)
ادبی: * پرده نیلوفری: استعاره از آسمان لاجوردی / مصراع دوم: پرسش انکاری: کیست؟ به معنی «کسی نیست». (هدف از این پرسش، انکار کردن وجود حریف است).
زبانی: بن: انتها، زیر / * نیلوفری: صفت نسبی، منسوب به نیلوفر، به رنگ نیلوفر، لاجوردی / همسری: برابری، رقابت

۱۱- زین نمط، آن مست شده از غرور رفت و ز مبدأ چو کمی گشت دور

فکری: بدین ترتیب، آن چشمه مست و مغرور به راه خود ادامه داد و وقتی از محل شروع حرکت خود کمی دور شد، (مستی از غرور، دوری از اصل و مبدأ)

زبانی: * نمط: روش، طریقه؛ زین نمط: بدین ترتیب / مبدأ: ابتدا، آغاز، محل شروع / کمی: قید / دور: مسند

۱۲- دید یکی بحر خروشنده‌ای سهمگنی، نادره جوشنده‌ای

فکری: ناگهان دریایی خروشان و ترسناک با جوش و خروشی بی‌مانند دید. (ترسناکی، بی‌نظیری و خروشنده‌گی دریا)
 زبانی: * نادره: بی‌همتا، شگفت‌آور / سهمگن: مخفف سهمگین، ترسناک / بحر (دریا): هم‌آوا با بهر (بهره، نصیب، برای) / هم‌آوا: کلماتی که از لحاظ تلفظ یکسان اما از نظر نوشتار متفاوت هستند؛ مثال: ثواب، صواب - حیات، حیاط

۱۳- نعره برآورده، فلک کرده کر دیده سیه کرده، شده زهره‌در

فکری: دریا فریاد می‌کشید طوری که با فریادش گوش آسمان را کر کرده بود. نگاه خشم‌آلود داشت و بسیار ترسناک شده بود. (خروشنده‌گی، شکوه و ترسناکی دریا)

ادبی: کر کردن [گوش] فلک: اغراق و کنایه از صدای بسیار بلند / دیده سیه کردن: کنایه از خشمگین شدن، نگاه کردن از روی خشم / زهره‌در شدن: کنایه از ترسناک شدن، هراس‌انگیز شدن / کر شدن فلک و دیده داشتن دریا و نعره برآوردن آن: تشخیص و استعاره / تکرار «ر»: واج‌آرایی

زبانی: نعره برآوردن: فریاد کشیدن / فلک: آسمان / زهره: کیسه صفر، کیسه زرداب؛ در گذشته معتقد بودند که ترس شدید سبب ترکیدن زهره می‌شود. / زهره‌در: زهره‌درنده (صفت فاعلی) / حذف فعل «بود» در هر چهار جمله به قرینه معنایی

۱۴- راست به مانند یکی زلزله داده تنش بر تن ساحل، یله

فکری: دریا درست مانند زلزله‌ای تنش را بر تن ساحل تکیه داده بود. (خروشنده‌گی و برخورد موج‌ها به ساحل)

ادبی: تشبیه: دریا (مشبه)، زلزله (مشبه‌به) / تن ساحل، تن دریا: تشخیص و استعاره

زبانی: راست: عیناً، درست (قید) / * یله: رها، آزاد؛ یله دادن: تکیه دادن / «ش»: مضاف‌الیه و مرجع آن، دریا

۱۵- چشمه کوچک چو به آنجا رسید وان همه هنگامه دریا بدید

فکری: وقتی چشمه کوچک به آنجا رسید و آن همه فریاد و غوغای دریا را دید، ...

ادبی: نسبت دادن «دیدن» به چشمه: تشخیص و استعاره / دیدن هنگامه: حس آمیزی (حس بینایی + حس شنوایی)

زبانی: وان: و آن / * هنگامه: غوغا، داد و فریاد، شلوغی / هنگامه: مفعول

۱۶- خواست کزان ورطه، قدم درکشد خویشتن از حادثه برتر کشد

فکری: خواست که از آن مهلکه دوری کند و خود را از حادثه نجات دهد. (ترسیدن و عقب‌نشینی کردن / تلاش برای نجات)

ادبی: قدم درکشیدن: کنایه از دوری کردن، عقب‌نشینی کردن / برتر کشیدن: در جای بالاتری قرار گرفتن، در اینجا: کنایه از نجات دادن

زبانی: کزان: مخفف که از آن / * ورطه: گرداب، گودال، مهلکه، گرفتاری /

خواست (طلبید، خواهش، اراده): هم‌آوا با خاست (برخواست، بلند شد)

۱۷- لیک چنان خیره و خاموش ماند کز همه شیرین‌سخنی، گوش ماند

فکری: اما چنان حیران و ساکت شد که با آن همه خوش‌سخنی مشغول گوش دادن به صدای دریا شد. (سکوت از سر حیرت و درماندگی)

ادبی: شیرین‌سخنی: حس آمیزی و کنایه از خوش‌سخن بودن

زبانی: لیک: اما / کز: مخفف که از / * خیره: سرگشته، حیران، فرومانده / چنان: قید
 نیما یوشیج (علی اسفندیاری)

کارگاه متن پژوهی

قلمرو زبانی

۱- معنای واژه‌های مشخص شده را با معادل امروزی آنها مقایسه کنید.

در بن این پرده نیلوفری / کیست کند با چو منی همسری؟

همسری: در این بیت به معنای «رقابت، برابری» و امروزه به معنای «زناشویی، ازدواج» است.

راست به مانند یکی زلزله / داده تنش بر تن ساحل، یله

راست: در این بیت به معنای «عیناً، درست» و امروزه به معنای «طرف راست، مستقیم، متضاد دروغ» است.

۲- بیت زیر را بر اساس ترتیب اجزای جمله در زبان فارسی، مرتب کنید.

گشت یکی چشمه ز سنگی جدا / غلغله زن، چهره نما، تیزپا

یکی چشمه (چشمه‌ای) غلغله زن، چهره نما و تیزپا از سنگی جدا گشت.

نهاد / قید / متمم / مسند / فعل

قلمرو ادبی

۱- هریک از بیت‌های زیر را از نظر آرایه‌های ادبی بررسی کنید.

چون بگشایم ز سر مو، شکن ماه ببیند رخ خود را به من

شکن از مو گشودن: کنایه از صاف و زلال شدن / مو: استعاره از موج آب / داشتن «رخ» و عمل «دیدن» به ماه نسبت داده

شده و «گشودن مو» به چشمه: تشخیص و استعاره / سر، مو، رخ: مراعات نظیر

که به دهان، بر زده کف، چون صدف گاه چو تیری که رود بر هدف

کف به دهان برزده: کنایه از خشمگین بودن / چو تیر بر هدف رفتن: کنایه از سرعت بسیار / مانند کردن چشمه به صدف و

تیر: تشبیه / نسبت دادن دهان به چشمه و صدف: تشخیص و استعاره / صدف، هدف: جناس ناهمسان (ناقص)

۲- با توجه به شعر نیما، «چشمه» نماد چه کسانی است؟

نماد انسان‌های مغرور و خودشیفته

حس آمیزی

۳- آمیختن دو یا چند حس و یا یک حس با پدیده‌ای ذهنی (انتزاعی)، در کلام را «حس آمیزی» می‌گویند.

نمونه: «حرف‌هایم مثل یک تکه چمن روشن بود.» در این نمونه، سپهری از «روشن بودن حرف» سخن گفته‌است.

«روشن بودن» امری «دیدنی» و حرف «شنیدنی» است. شاعر در این مصرع، دو حس بینایی و شنوایی را باهم آمیخته‌است

* نمونه‌ای از کاربرد این آرایه ادبی را در سروده نیما بیابید.

شیرین سخنی در مصراع: کز همه شیرین سخنی گوش ماند. (شیرین: چشایی + سخن: شنوایی)

مجاز - استعاره

۴- هر واژه امکان دارد در معنای حقیقی و یا معنای غیرحقیقی به کار رود. به معنای حقیقی واژه، «حقیقت» و به معنای غیرحقیقی آن، «مجاز» می‌گویند. حقیقت، اولین و رایج‌ترین معنایی است که از یک واژه به ذهن می‌رسد. «مجاز»، به کار رفتن واژه‌ای است در معنی غیرحقیقی؛ به شرط آنکه میان معنای حقیقی و معنای غیرحقیقی واژه، ارتباط و پیوندی برقرار باشد؛

مثال: پشت دیوار آنچه گویی، هوش دار / تا نباشد در پس دیوار، گوش (سعدی)
معنی: در پشت دیوار آنچه را که می‌گویی، مواظب باش مبادا انسان جاسوس و سخن‌چین حرف‌های تو را بشنود. همان‌طور که می‌دانید، «گوش» اندام شنوایی است و در این معنا، «حقیقت» است و نمی‌تواند در پس دیوار بیاید؛ شاعر در این بیت به مفهوم مجازی «گوش»، یعنی «انسان سخن‌چین» تأکید دارد.
اکنون به دو بیت زیر توجه نمایید:

* ما را سرِ باغ و بوستان نیست / هر جا که تویی، تفرّج آن‌جاست (سعدی)
معنی: ما قصد رفتن به باغ و بوستان را نداریم؛ هر جا که تو باشی، گشایشِ خاطر ما از غم و اندوه، آن‌جاست. در این بیت واژه «سر» در مفهوم مجازی «قصد و اندیشه» به کار رفته‌است. «سر» محل و جایگاه «اندیشه» است.
* عالم از شور و شر عشق خبر هیچ نداشت / فتنه‌انگیز جهان نرگس جادوی تو بود (حافظ)
معنی: جهان از شور عشق بی‌خبر بود؛ آنچه در جهان فتنه و آشوب برپا کرد، چشم افسونگر تو بود. در این بیت، مقصود شاعر از واژه نرگس، معنایی غیرحقیقی، یعنی «چشم» است. آنچه که گل نرگس و چشم را به هم می‌پیوندد و اجازه می‌دهد تا یکی به جای دیگری به کار رود، «شبهات» میان آن دو است.
به این نوع مجاز، در اصطلاح ادبی «استعاره» می‌گویند؛ در درس پنجم، با آن بیشتر آشنا خواهید شد.
* در شعر این درس، دو نمونه مجاز بیابید و مفهوم هریک را بنویسید.

گهر: مجاز از سبزه، گل و گیاه / خاک: مجاز از زمین

کلمه قلمرو فکری

۱- پس از رسیدن به دریا، چه تغییری در نگرش و نحوه تفکر «چشمه» ایجاد شد؟
به عظمت دریا و ناچیز بودن خود پی برد و ساکت شد.

۲- معنی و مفهوم بیت زیر را به نثر روان بنویسید. «نعره برآورده، فلک کرده کر / دیده سیه کرده، شده زهره‌در»
دریا فریاد می‌کشید طوری که با فریادش گوش آسمان را کر کرده بود. نگاه خشم‌آلود داشت و بسیار ترسناک شده بود.
(خروشنده‌گی، شکوه و ترسناکی دریا)

۳- سروده زیر از سعدی است، محتوای آن را با شعر نیما مقایسه کنید.

یکی قطره باران ز ابری چکید / خجل شد چو پهنای دریا بدید

قطره بارانی از ابری چکید. وقتی بزرگی دریا را دید، شرمند شد. (تواضع و فروتنی)

□ خجل شدن قطره: تشخیص و استعاره

که جایی که دریاست من کیستم؟ / گر او هست حقاً که من نیستم

گفت: جایی که دریا وجود دارد من کسی نیستم؛ اگر او وجود دارد، حقیقتاً که من وجود ندارم. (تواضع و فروتنی)

چو خود را به چشم حقارت بدید / صدف در کنارش به جان پرورید

آن قطره چون خود را کوچک و ناچیز به‌شمار آورد، صدف، آن را در آغوش گرفت و با جان و دل پرورش داد.

بلندی از آن یافت کاو پست شد در نیستی کوفت تا هست شد

قطره باران بدان سبب بزرگی و مقام یافت که خود را کوچک دید و فروتنی کرد و چون خود را ناچیز پنداشت، هستی و عزت یافت. (تواضع و فروتنی، سبب سربلندی)

□ بلندی و پست - نیستی و هست: تضاد / هست و پست: جناس ناهمسان (ناقص)

- درون مایه هر دو نکوهش غرور و تکبر است، سعدی با ستایش تواضع و نیما با نکوهش خودپسندی.

در شعر نیما، چشمه مغرور است، آن چنان که خود را برتر از همه پدیده‌ها می‌داند اما وقتی به دریا می‌رسد و به عظمت دریا و ناچیز بودن خود پی می‌برد چاره‌ای جز سکوت ندارد. اما در شعر سعدی، قطره باران با تواضع و فروتنی در درون صدف جا می‌گیرد و تبدیل به مروارید می‌شود. (به مقام ارزشمندی می‌رسد)

۴- دوست دارید جای کدام یک از شخصیت‌های شعر نیما (چشمه، دریا) باشید؟ برای انتخاب خود دلیل بیاورید.
دریا، چون نماد بزرگی و عظمت است.

سؤالات هماهنگ کشوری

(خرداد ۱۴۰۲ - نوبت عصر)

۱- آرایه درست را از داخل کمانک انتخاب کنید.

قطره باران که درافتد به خاک زو بدمد بس گهر تابناک (استعاره / جناس)

(شهریور ۱۴۰۲)

۲- املاي درست را از داخل کمانک انتخاب کنید.

(خواست / خاست) گزان ورطه، قدم درکشد خویشتن از حادثه برتر کشد

***** پاسخنامه *****

۱ - استعاره ۲ - خواست

منابع و مأخذ

- ۱) آفتاب معنوی، چهل داستان از مثنوی مولوی، نادر وزین پوره، انتشارات امیرکبیر، چاپ دهم، ۱۳۸۸
- ۲) حافظنامه، بهاءالدین خرمشاهی، انتشارات علمی - فرهنگی، تهران، چاپ پنجم، ۱۳۷۲
- ۳) حماسه رستم و سهراب، منصور رستگار فسائی، انتشارات جامی، چاپ هشتم، ۱۳۸۸
- ۴) دیوان غزلیات استاد سخن، سعدی، خلیل خطیب رهبر، انتشارات سعدی، چاپ دوم، ۱۳۶۷
- ۵) درسنامه فارسی دهم، ابراهیم رمضانلی، گروه آموزشی زبان و ادبیات فارسی جهرم، ویرایش دوم، ۱۴۰۰
- ۶) راهنمای معلم فارسی (۱) پایه دهم، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران، چاپ اول، ۱۳۹۶
- ۷) رستم و سهراب، شرح، نقد و تحلیل داستان، غلاممحمد طاهری مبارکه، انتشارات سمت، چاپ اول، ۱۳۷۹
- ۸) شرح جامع مثنوی معنوی، جلد اول، کریم زمانی، انتشارات اطلاعات، چاپ اول، ۱۳۷۴
- ۹) شرح غزل‌های حافظ، حسینعلی هروی، انتشارات صفا، چاپ سوم، ۱۳۶۹
- ۱۰) صدای سخن عشق (گزیده غزلیات حافظ)، حسن انوری، انتشارات سخن، چاپ چهارم، ۱۳۷۸
- ۱۱) غمنامه رستم و سهراب، جعفر شعار، حسن انوری، نشر قطره، چاپ سی‌ویکم، ۱۳۸۸
- ۱۲) فارسی دهم، حمید طالب‌تبار، انتشارات مبتکران، پیشروان، چاپ سی‌وچهارم، ۱۴۰۰
- ۱۳) فارسی دهم (سیر تا پیاز)، نعمت‌الله بوالحسنی، دکتر سیدعلی مرتضوی، خدایار قربانی، گاج، چاپ سی‌وسوم، ۱۴۰۲
- ۱۴) فارسی (۱) - پایه دهم، جواد امیرسالاری، انتشارات نگاه نو، چاپ یازدهم، ۱۳۹۹
- ۱۵) گلستان سعدی، تصحیح و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی، انتشارات خوارزمی، چاپ اول، ۱۳۶۸
- ۱۶) گلستان سعدی، دکتر حسن انوری، انتشارات دانشگاه پیام نور، چاپ اول، ۱۳۸۷
- ۱۷) ماجراهای من و درسام، فارسی (۱) پایه دهم، مجتبی احمدوند، انتشارات خیلی سبز، چاپ چهل‌وچهارم، ۱۴۰۱
- ۱۸) مثنوی مولانا جلال‌الدین محمد بلخی، دکتر محمد استعلامی، انتشارات زوار، چاپ چهارم، ۱۳۷۲
- ۱۹) نامه باستان، ویرایش و گزارش شاهنامه فردوسی، میرجلال‌الدین کزازی، انتشارات سمت، چاپ هفتم، ۱۳۹۲

* شاخه فنی و حرفه‌ای و کار دانش *

فازنی هم

♦ معنی و مفهوم تمامی ابیات و عبارات به صورت درس به درس و سطر به سطر

♦ معنی همه واژگان دشوار + واژه نامه کتاب

♦ پاسخ سوالات کارگاه درس پژوهی

با تغییرات کلی و ویرایش جدید	تهیه و تنظیم:
شهریور ۱۴۰۲	ولی مسعودی
۰۹۱۱-۱۷۸-۱۷۰۷	www.valimasoudi.ir

فازنی هم

* رشته‌های: ریاضی - تجربی - انسانی - معارف *

♦ بررسی کامل قلمرو زبانی، ادبی و فکری تمامی ابیات و عبارات به صورت درس به درس و سطر به سطر

♦ معنی ساده و روان شعر و نثر

♦ معنی همه واژگان دشوار + واژه نامه کتاب

♦ پاسخ سوالات کارگاه متن پژوهی

♦ سوالات امتحان نهایی خرداد ۱۴۰۲ همراه با پاسخنامه تشریحی

♦ نمونه سوالات امتحانات نهایی به صورت درس به درس همراه با پاسخنامه تشریحی

با تغییرات کلی و ویرایش جدید	تهیه و تنظیم:
شهریور ۱۴۰۲	ولی مسعودی
۰۹۱۱-۱۷۸-۱۷۰۷	www.valimasoudi.ir

* شاخه فنی و حرفه‌ای و کار دانش *

فازنی هم

♦ معنی و مفهوم تمامی ابیات و عبارات به صورت درس به درس و سطر به سطر

♦ معنی همه واژگان دشوار + واژه نامه کتاب

♦ پاسخ سوالات کارگاه درس پژوهی

با تغییرات کلی و ویرایش جدید	تهیه و تنظیم:
شهریور ۱۴۰۲	ولی مسعودی
۰۹۱۱-۱۷۸-۱۷۰۷	www.valimasoudi.ir

فازنی هم

* رشته‌های: ریاضی - تجربی - انسانی - معارف *

♦ بررسی کامل قلمرو زبانی، ادبی و فکری تمامی ابیات و عبارات به صورت درس به درس و سطر به سطر

♦ معنی ساده و روان شعر و نثر

♦ معنی همه واژگان دشوار + واژه نامه کتاب

♦ پاسخ سوالات کارگاه متن پژوهی

با تغییرات کلی و ویرایش جدید	تهیه و تنظیم:
شهریور ۱۴۰۲	ولی مسعودی
۰۹۱۱-۱۷۸-۱۷۰۷	www.valimasoudi.ir

* شاخه فنی و حرفه‌ای و کار دانش *

فازنی هم

♦ معنی و مفهوم تمامی ابیات و عبارات به صورت درس به درس و سطر به سطر

♦ معنی همه واژگان دشوار + واژه نامه کتاب

♦ پاسخ سوالات کارگاه درس پژوهی

با تغییرات کلی و ویرایش جدید	تهیه و تنظیم:
شهریور ۱۴۰۲	ولی مسعودی
۰۹۱۱-۱۷۸-۱۷۰۷	www.valimasoudi.ir

فازنی هم

* رشته‌های: ریاضی - تجربی - انسانی - معارف *

♦ بررسی کامل قلمرو زبانی، ادبی و فکری تمامی ابیات و عبارات به صورت درس به درس و سطر به سطر

♦ معنی ساده و روان شعر و نثر

♦ معنی همه واژگان دشوار + واژه نامه کتاب

♦ پاسخ سوالات کارگاه متن پژوهی

♦ نمونه سوالات هماهنگ کشوری به صورت درس به درس همراه با پاسخنامه تشریحی

♦ سوالات هماهنگ کشوری خرداد ۱۴۰۲ همراه با پاسخنامه تشریحی

با تغییرات کلی و ویرایش جدید	تهیه و تنظیم:
شهریور ۱۴۰۲	ولی مسعودی
۰۹۱۱-۱۷۸-۱۷۰۷	www.valimasoudi.ir